

نوبنیاد

روزنامه سراسری
صبح ایران

قالیباف به مجلس بازگردد

حاجی دلگانی نایب رئیس کمیسیون اصل نود مجلس در گفتگو با نوبنیاد: من به آقای قالیباف هم گفتم که شما رئیس مجلس و قوه مقننه هستید و باید امورات این طرف را سامان دهید. ما الان در بحث امورات مجلس و وظایف اصلی آن بسیار عقب هستیم و اینها قابل جبران است منتهی نیاز دارد که همه ظرفیت‌ها و توان رئیس و هیات رئیسه مجلس پای کار بیاید. مجلس باید بتواند دولت را به استنطاق بکشانند و دولت هم باید از مجلس حساب ببرد. فضایی که الان شکل گرفته این است که دولت وقتی به تذکرات و سوال‌های مجلس نمی‌نهد و کار را به شوخی گرفته است.



۲

رئیس بانک مرکزی از آزاد نشدن دارایی‌های مسدود شده در قالب تفاهم نامه اسلام آباد پرده برداشت؛

هیچ

اعتراف همتی درباره پوچ بودن وعده‌های اقتصادی تفاهم نامه، ذهن‌ها را به یاد یک اظهار نظر تاریخی دیگر با همین مضمون می‌اندازد. درست حدود ۱۰ سال پیش، ولی‌الله سیف رئیس کل وقت بانک مرکزی در دولت روحانی همین اظهارات را درباره دستاوردهای توافق هسته‌ای (برجام) مطرح کرد. سیف ۲۸ فروردین سال ۱۳۹۵ در نشست شورای روابط خارجی آمریکا، در تشریح میزان تحقق تعهدات طرف مقابل در زمینه رفع تحریم‌های بانکی گفت: «اجازه دهید به آنچه که از سه ماه گذشته از تاریخ اجرای برنامه جامع اقدام مشترک روی داده است، نگاه اجمالی داشته باشم: تقریباً هیچ!»

۵

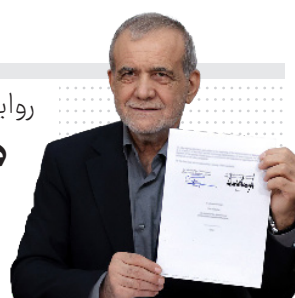


آیت الله میرباقری: در عصر غیبت شهیدی در طراز رهبر شهید سراغ نداریم

۳

روایت برجانی از تفاهم نامه؛ هزینه‌های نقد، وعده‌های نسیه

۲



پدیده نفوذ خطری بنیادین برای «دستگاه محاسباتی مسئولان»

روح الله نجابت
نماینده مجلس شورای اسلامی

صفحه ۳

سیاسی

مخالفت مشکوک با طرح مقابله با نفوذ

کلیات طرح «مقابله با نفوذ بیگانگان» در مجلس به تصویب رسید؛ طرحی که با حاشیه‌سازی برخی از رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی، بویژه اعضای دولت چهاردهم همراه بود. و مشخص نیست دلیل این حجم از مخالفت‌ها از این قانون از کجا نشأت می‌گیرد.

صفحه ۸

فرهنگی

خانه سینما از چه چیزی می‌ترسد؟

چرا نهادی که باید بیش از هر کس دیگری نسبت به سلامت میدان فرهنگ حساس باشد، از قانونی که قرار است مسیر نفوذ سرویس‌های بیگانه را مسدود کند، چنین برآشفته شده است؟ نفوذ، واژه‌ای تزئینی نیست و اتفاقاً مسئله‌ای واقعی، جدی و خطرناک است.

امام شهید از نیمه‌ی دهه‌ی ۹۰، با درک دقیق از نقشه‌ی جدید دشمن، بارها نسبت به پدیده‌ی «نفوذ» هشدار دادند و آن را نه یک تهدید حاشیه‌ای، بلکه خطری بنیادین برای «دستگاه محاسباتی مسئولان» و «تغییر در غایات ملی» معرفی کردند. ایشان تأکید داشتند که نفوذ فراتر از جاسوسی است و دشمن به دنبال تغییر باورها، آرمان‌ها و جهت‌گیری‌های تصمیم‌سازان کشور است. مصوبه‌ی کنونی دقیقاً در راستای تحقق همین هشدارها و مطالبات طراحی شده است.

متن کامل در صفحه ۳

حاجی‌دلیگانی نائبرئیس کمیسیون اصل ۹۰ در مصاحبه با نوبنیاد از عدم حضور و وقت‌گذاری قالیباف در مجلس انتقاد کرد

قالیباف به مجلس بازگردد



امیرحسین درکی

روزنامه‌نگار

تمامی تحقیق و تفحص‌ها و ماده ۲۳۴‌ها روی زمین مانده است.

علاوه بر موضوعاتی که اشاره کردید، عدم حضور قالیباف به عنوان رئیس مجلس آیا تبعات دیگری نیز داشته است؟

برابر ماده ۸۶ قانون آئین‌نامه داخلی مجلس به صراحت آمده است که نماینده‌ای که بیش از یکساعت ساعت متوالی یا ۲۵۰ ساعت غیرمتوالی از اوقات رسمی جلسات مجلس را بدون عذر موجه در یکسال غیبت داشته باشد مستعفی شناخته خواهد شد. تفاوتی هم ندارد که یک نماینده عادی باشد یا رئیس و نائبرئیس جلسه. این عین آئین‌نامه داخلی مجلس است. این باید محاسبه شود که آیین به این میزان رسیده است یا خیر.

در رابطه با پیامی که رهبر انقلاب خردادماه گذشته به مناسبت آغاز سومین سال فعالیت مجلس دوازدهم خطاب به نمایندگان تاکید داشتند که لازم است مصوبات مجلس با مسائل اصلی کشور و نیازهای مردم نسبتی مستقیم و مشهود داشته باشد و معطوف به امیدآفرینی و آینده‌سازی کشور باشد. چقدر این مهم در مصوبات چند ماه اخیر مجلس مدنظر قرار گرفته است؟

مقدمه تحقق این مطالبات این است که آقای رئیس کارهای دیگر را کنار بگذارد و به وظیفه اصلی‌اش در مجلس بپردازد تا با این وقت‌گذاری بتواند وضعیت مجلس را سرو سامان دهد تا قوه مقننه از استحکام کافی برخوردار شود. الان تصور مردم هم هنوز این نیست که مجلس تشکیل می‌شود علیرغم اینکه حدود یکماه از برگزاری جلسات و بیناری می‌گذرد. نظر مردم این است که جلسات به صورت حضوری برگزار شود و نظر درستی هم هست. آقای رئیس باید به مجلس بیاید و وقت بگذارد و جلسات هم جایی برگزار شود که امکان برگزاری در آنجا هست. خاصیت و برکتی که در جلسات حضور هست در جلسات و بیناری نخواهد بود.

استعفا دهد و به مجلس بیاید. در خصوص سرپرستی هیات مذاکرات این نکته را هم باید بگویم که یک وقتی در شرایط جنگی و ویژه، می‌توان استثنا قائل شد و شاید بتوان گفت که این تناقض مسئولیتی اقتضا میکرد اما الان که چندین ماه از جنگ گذشته، به نظر می‌رسد که دیگر اقتضایی وجود ندارد و از این طرف هم مجلس دچار خلاهایی شده است. من به آقای قالیباف هم گفتم که شما رئیس مجلس و قوه مقننه هستید و باید امورات این طرف را سامان دهید. ما الان در بحث امورات مجلس و وظایف اصلی آن بسیار عقب هستیم و اینها قابل جبران است منتهی نیاز دارد که همه ظرفیت‌ها و توان رئیس و هیات رئیسه مجلس پای کار بیاید. مجلس باید بتواند دولت را به استنطاق بکشاند و دولت هم باید از مجلس حساب ببرد. فضایی که الان شکل گرفته این است که دولت وقتی به تذکرات و سوال‌های مجلس نمی‌نهد و کار را به شوخی گرفته است.

طی یکماه اخیر و بعد از چند ماه تعطیلی صحن علنی، جلساتی تحت عنوان جلسات مجازی مجلس برگزار شده است. آیا این جلسات توانسته کارکردهای قوه مقننه را محقق کند؟

خیر! چون اولاً آئین‌نامه در خیلی از جاها رعایت نمی‌شود و دوم اینکه ارتباط مستقیم بین نماینده با برگزارکنندگان مجلس ارتباط نمی‌شود لذا برخی از موضوعاتی که باید تصویب شود به تصویب نمی‌رسد و بالعکس.

مثلا چه موضوعی؟

مثلا اخیراً در موضوع قانون مجازات جانیان جنگی ابهام داشتیم اما هیچ امکانی برای رفع ابهام وجود نداشت. چرا که برای رفع ابهام باید رئیس جلسه دستور دهد و پس از ثبت مطرح شود تا موافق و مخالف صحبت کنند و در نهایت رای‌گیری شود. مورد دیگر این است که تذکرات یک دقیقه‌ای، دو دقیقه‌ای و سه دقیقه‌ای رابی جهت باز نمی‌کنند و این برخلاف آئین‌نامه است. دیگر اینکه

پس از تعطیلی چند ماه صحن مجلس و انتقادات گسترده نمایندگان از قالیباف که اخیراً به سطح اعضای هیات رئیسه رسیده نیز رسیده بود، این انتقادات وارد فاز تازه‌ای شده و نمایندگان از رئیس مجلس خواسته‌اند تا با کناره‌گیری از مسئولیت‌های بی‌نتیجه دیپلماتیک، به مجلس بازگردد و به امورات قوه مقننه رسیدگی کند. حاجی‌دلیگانی نماینده مردم شاهین‌شهر، میمه و برخوار و نایب رئیس کمیسیون اصل نود مجلس از جمله همین نمایندگان است که اخیراً گفته بود: قالیباف از مسئولیت مذاکرات استعفا دهد تا بتواند برای مجلس وقت بگذارد و شان مجلس حفظ شود. با این کار جایگاه نظارتی مجلس نیز تقویت می‌شود. درباره این موضوع با حاجی‌دلیگانی گفتگو کرده‌ایم.

شما از جمله نمایندگان منتقد رئیس مجلس در موضوع برگزاری منظم و علنی مجلس و همچنین همزمانی حضور قالیباف در مجلس و مذاکرات هستید. علت این انتقاد چه بود؟

اصل ۵۷ می‌گوید که سه قوه مستقل از هم هستند و زیر نظر ولی امر کار خود را انجام می‌دهند. یعنی وظایف خود را مستقل از هم باید انجام دهند. طبق قانون مجلس شورای اسلامی دو وظیفه اصلی دارد؛ اول قانون‌گذاری و دوم نظارت. قوه مجریه هم مسئول اجرای قانون است. یکی از مباحث اجرایی، مذاکرات و امور دیپلماتیک است، بنابراین سرپرستی تیم مذاکرات ذیل کار اجرایی تعریف می‌شود و با کار نظارتی در تعارض است. کسی که شان نظارتی بر دولت دارد، ناظر بر امور سیاست خارجی و دیپلماتیک هم هست. یک نفر نمی‌تواند هم مجری باشد و هم ناظر. دو نقش در یک نفر نمی‌تواند جمع شود. از بابت اخیراً من اخطار دارم و گفتم که این موضوع با اصل تفکیک قوا مغایرت دارد و بهتر بود که آقای قالیباف از کار مذاکرات

خبر کوتاه

آیت‌الله علم‌الهدی: ملت ایران تا خونخواهی رهبر شهید در خیابان هستند

امام جمعه مشهد با اشاره به نقش رهبر شهید انقلاب در بیداری، دشمن‌شناسی، فردسازی، جامعه‌سازی و شکل‌گیری جریان مقاومت، گفت: شش ماه پس از شهادت ایشان، ملت ایران همچنان پرچم‌ها و اجتماعات را رها نکرده و مردانه ایستاده است تا انتقام مظلومیت و خونخواهی رهبر شهید را محقق کند. وی همچنین افزود: چهل روزگشت، اما هنوز آقا در دل‌های ما و در مغزهای ما وجود دارد و آتش داغش از درون ما شعله‌ور است. این آتش به یاد انتقام و خونخواهی مظلومانه این امام شهید مظلوم است که با این مظلومیت، با عزیزانش به شهادت رسید و صحنه‌ای از صحنه‌های کرپلا را در این شهادت برای مردم ما مجسم کرد. این فراموش‌شدنی نیست و از یاد رفتنی نیست.

سرلشکر عبداللہی: پاسخ ایران به تهدیدات نوین دشمن ویرانگر خواهد بود

رئیس ستادکل نیروهای مسلح در پیامی به سرپرست وزارت دفاع به مناسبت ۳۱ مرداد، روز صنعت دفاعی هشدار داد: هرگونه خطای محاسباتی و تهدیدات متعارف و نوین دشمنان با پاسخ‌های انقلابی، کوبنده، پشیمان‌کننده و ویرانگر مواجه خواهد بود.

نویان: کسانی که حرف از صلح می‌زنند، منظورشان تسلیم شدن است

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس در حساب کاربری خود در ویراستی نوشت: عده‌ای که متأسفانه خطای محاسباتی هم دارند، برای پیشبرد مقاصد خود، به دیگران تهمت جنگ‌طلبی می‌زنند! وی افزود: مگر ما جنگ را شروع کردیم؟ جنگ بر ما تحمیل شد در حالیکه وسط مذاکرات بودیم و ما در حال دفاع هستیم. کسانی که حرف از صلح می‌زنند، منظورشان تسلیم شدن است.

انتقاد رسایی از سخنان قالیباف

حجت‌الاسلام حمید رسایی نماینده مردم تهران در مجلس با انتقاد از سخنان اخیر رئیس مجلس که گفته بود: هر چقدر قدرت نظامی داشته باشیم اگر مردم گرسنه باشند دوام نمی‌آوریم، نوشت: بدیهی است که یک مسئول نباید اینگونه سخن بگوید، آن هم وسط جنگ. در شرایطی که دشمن هرواژه را به مثابه ابزار جنگ روانی به کار می‌گیرد، طرح مسائل آسیب‌پذیر اقتصادی توسط بالاترین مقام تقنینی کشور، نه فقط غیرضرور، که خلاف مصلحت عمومی است. وی افزود: مگر نه این است که پیشرفت و قدرت نظامی ما محصول تبعیت از ریل‌گذاری‌های ولی فقیه است؟ پس چرا در بخش اقتصادی، که نتیجه‌ی سیاست‌های شکست‌خورده لیبرالی است، چنین صریح نقطه‌ضعف را بازگو می‌کنیم؟ به جای این مقایسه و نتیجه‌گیری اشتباه، با اتخاذ سیاست‌های به جا تلاش کنیم تا مشکلات مردم رفع شود.

ناکامی گروهک مسلح در ورود به مرزهای جنوب شرق کشور

سخت‌گویی پلیس: مرزبانان هنگ مرزی سراوان با اشراف اطلاعاتی و آمادگی عملیاتی، شب گذشته تحرکات یک گروهک مسلح را که قصد ورود غیرقانونی به کشور و انجام اقدامات خرابکارانه داشت، شناسایی و موضوع را در دستور کار قرار دادند. در این عملیات، مسیر ورود عناصر مسلح را مسدود کرده و در جریان درگیری، ضمن مقابله با آنان، یکی از عناصر این گروهک را به هلاکت رساندند. اعضای باقی‌مانده گروهک پس از مواجهه با واکنش مرزبانان، از محل متواری شده و به سمت خاک کشور مقابل گریختند. در پاک‌سازی محل درگیری، مفادیری سلاح و تجهیزات ارتباطی کشف و ضبط شد.

یادداشت

پدیده نفوذ خطری بنیادین برای «دستگاه محاسباتی مسئولان»

روح‌الله نجابت

نماینده مجلس شورای اسلامی

امام شهید از نیمه‌ی دهه‌ی ۹۰، با درک دقیق از نقشه‌ی جدید دشمن، بارها نسبت به پدیده‌ی «نفوذ» هشدار دادند و آن را نه یک تهدید حاشیه‌ای، بلکه خطری بنیادین برای «دستگاه محاسباتی مسئولان» و «تغییر در غایات ملی» معرفی کردند.

ایشان تأکید داشتند که نفوذ فراتر از جاسوسی است و دشمن به دنبال تغییر باورها، آرمان‌ها و جهت‌گیری‌های تصمیم‌سازان کشور است. مصوبه‌ی کنونی دقیقاً در راستای تحقق همین هشدارها و مطالبات طراحی شده است. این قانون با جرم‌انگاری «مشاوره‌های مخرب» هدایت‌شده از بیرون و ایجاد سامانه‌ی شفافیت، عملاً به آن بخش از دغدغه‌های ایشان که می‌فرمودند «نفوذ باید رصد، شناسایی و مهار شود»، جامه‌ی عمل پوشانده است. از این رو، این مصوبه را باید پاسخی عملیاتی و دیر هنگام اما مؤثر به وصیت راهبردی امام شهید دانست. این قانون، زمین بازی را برای نیروهای دلسوز شفاف و امن می‌کند و از بروز وابستگی‌های غیرضرور، خیانت و سوء استفاده‌های کلان پیشگیری می‌نماید. تصویب و اجرای دقیق آن، گامی عملیاتی در تحقق مطالبات رهبر شهید (رضوان‌الله تعالی علیه) است و نظام و جامعه را در برابر نفوذ بیگانگان، مصونیت بخشی خواهد کرد. بلکه تعامل با جهان، نه تنها محدود نمی‌شود، بلکه در بستری امن تر و شفاف تر تقویت خواهد شد.

خبر کوتاه

فرمانده نیروی دریایی ارتش: دشمن اجازه نزدیک شدن به خاک ایران را ندارد

دریادار ایرانی گفت: قدرت و اراده مردم ایران اسلامی امروز دشمن را زمین گیر کرده است. وی افزود: نیروهای مسلح هم با تمام توان در برابر دشمن ایستاده‌اند و اجازه نخواهند داد دشمن قدمی از قدم بردارد. فرمانده نیروی دریایی ارتش تصریح کرد: امروز تگه‌ها و آبراه‌های راهبردی کشور برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه دارند و نیروی دریایی با حضور مقتدرانه خود در این مناطق، مأموریت دفاع از منافع ملی و امنیت کشور را دنبال می‌کند.

هشدار نماینده تهران به تخلف وزارت بهداشت و اجرای عادلانه قانون برنامه هفتم

علی خضریان، عضو کمیسیون اصل نود مجلس اعلام کرد: مجلس شورای اسلامی با هدف رفع کمبود پزشک متخصص و همچنین کاهش فشار کاری بر رزیدنت‌ها، در بند «پ» ماده ۶۹ برنامه هفتم پیشرفت، وزارت بهداشت را مکلف کرد تا سالانه ۱۲ درصد ظرفیت رشته‌های تخصصی را افزایش دهد. در بررسی روند اجرای این ماده، متوجه شدیم که رویکرد اجرایی در توزیع این ظرفیت‌ها، با اهداف مورد انتظار قانون‌گذار فاصله دارد، اما متأسفانه مشاهده می‌شود که بخش قابل توجهی از این افزایش ظرفیت، به رشته‌هایی تخصیص یافته که پیش از این نیز دارای صندلی‌های خالی بوده‌اند. این رویکرد باعث شده است که افزایش عددی ظرفیت در گزارش‌ها ثبت شود، اما در واقعیت، دسترسی مردم به رشته‌های پرتقاضا و حیاتی تغییری نکند.

در تاریخ عصر غیبت شهیدی در طراز رهبر شهید انقلاب سراغ نداریم

کم نظیرند و مهم‌ترین آن‌ها، از نظر من، قائد شهید است. واقعاً ما مرجعی در این طراز که این گونه به شهادت رسیده باشد، در دوره غیبت کبری نداشته‌ایم؛ مرجعی با این جامعیت، با این شجاعت، با این مدیریت. که در برابر استکبار ایستاد.

وی افزود: به نظر من، امام راحل و رهبر شهید اساساً ولایت فقیه را معنا کردند. حالاً می‌شود گفت ولایت فقیه یعنی چه. امروز ولایت فقیه در برابر هر نوع حکومت دیگری که تصور کنید، تعین پیدا کرده است. ولایت فقیه یعنی فقیه حکیم، عاقل، متقی، زاهد، شجاع و مدیر. که همه چیزش را فدای می‌کند تا مردم را به مقصد برساند؛



آیت‌الله‌میرباقری عضو مجلس خبرگان رهبری اظهار داشت: ما شهدای فوق العاده‌ای داشته‌ایم که در تاریخ

پس از تصویب کلیات قانون «مقابله با نفوذ بیگانگان»، موجی مشکوک از مخالفت‌ها به راه افتاد

مخالفت مشکوک با طرح مقابله با نفوذ

در شرایطی که جبهه آمریکایی- صهیونیستی طی سالهای اخیر، بویژه جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه ضربات متعددی از ناحیه نفوذ و شبکه‌سازی داخلی به کشورمان وارد کرده است. و در همین راستا ضرورت یک اقدام قاطع و امنیتی‌تر با شدت احساس می‌شود، مجلس شورای اسلامی، کلیات قانون طرح «مقابله با نفوذ بیگانگان» را در صحن علنی مجازی مجلس به تصویب رساند؛ طرحی که از همان ابتدا با حاشیه‌سازی برخی از رسانه‌ها و چهره‌های سیاسی، بویژه اعضای دولت چهاردهم همراه بود. و مشخص نیست دلیل این حجم از مخالفت‌ها و سیاه‌نمایی از این قانون از کجا نشأت می‌گیرد.

اجماع تقنینی در مقابله با نفوذ؛ تجربه کشورهای دنیا

اجماع تقنینی در نظام‌های حقوقی توسعه یافته نشان می‌دهد که مقابله با این پدیده،

نیازمند ابزارهای قانونی دقیق است. و نگاهی به رویه‌های جهانی این واقعیت را تأیید می‌کند؛ از «قانون ثبت نمایندگان خارجی» در آمریکا (معروف به FARA مصوب ۱۹۳۸) تا «قانون شفافیت نفوذ سیاسی» در استرالیا (۲۰۱۸)، واز سازوکار «ثبت نفوذ خارجی» در ذیل قانون امنیت ملی بریتانیا (۲۰۲۳) تا قوانین جدید و جامعی که در سال ۲۰۲۴ در کانادا و فرانسه برای پیشگیری از مداخلات بیگانگان به تصویب رسیده‌اند، همگی بر یک اصل بنیادین استوارند: «ارتباط با طرف خارجی به خودی خود جرم نیست؛ اما هرگونه فعالیت پنهان که با هدایت بیگانگان و با هدف اثرگذاری بر تصمیمات و فرآیندهای ملی انجام شود، باید الزاماً زیر نورافکن شفافیت قرار گیرد.»

گفتنی است که طی سال‌های اخیر، آسیب‌های وارد به امنیت ملی کشورمان از ناحیه جاسوسی و نفوذ قابل توجه است. ترور دانشمندان هسته‌ای، دسترسی راحت دشمن به موقعیت سرداران نظامی در جنگ ۱۲ و ۴۰ روزه و به شهادت رسیدن آنها و همچنین همکاری مقامات بلند پایه کشور با سرویس‌های جاسوسی از جمله علیرضا اکبری، که به جرم جاسوسی به نفع کشور انگلیس، ارتباطات با سرویس جاسوسی MI۶ و تعداد ملاقات‌های وسیع با افسران اطلاعاتی دشمن در کشورهای مختلف محکوم به اعدام شده بود. قابل ذکر است که اخیراً وزارت اطلاعات در فرآیند رسیدگی به یکی از پرونده‌های مهم نفوذ و مداخله خارجی در بیانیه‌ای از اخراج دو دیپلمات فرانسوی خبر داده بود.

با این حال و با توجه به ضرورت تصویب یک قانون جامع در خصوص برخورد و مقابله با نفوذ دشمن خارجی در کشور، متأسفانه این قانون با موجی از حاشیه‌سازی‌ها و

انتقادات بی جای برخی چهره‌های سیاسی و رسانه‌های زنجیره‌ای مواجه شد. و نکته جالب توجه همراهی مقامات دولت چهاردهم در این موج و حاشیه‌سازی علیه این قانون راهبردی بود.

طرح «مقابله با نفوذ بیگانگان» صدای چه کسانی را درآورد؟

علی احمدنیا، رئیس امور اطلاع رسانی دولت در مخالفت با این قانون امنیت‌زا در واکنشی در حساب کاربری خود در ایکس نوشت: «دولت «طرح مقابله با نفوذ» را مغایر قانون اساسی و حقوق شهروندی می‌داند و مخالفت صریح خود با آن را به مجلس اعلام کرده است». علاوه بر این مجید انصاری، معاون حقوقی رئیس جمهور در مخالفت با «طرح مجلس شورای اسلامی برای مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی دولت‌ها و نهاد‌های بیگانگان» گفت: «این طرح در جلسه ۲۷ مهرماه ۱۴۰۴ هیات دولت، مورد بررسی قرار گرفت و به جهت اشکالات اساسی که در مفاد این طرح و مواد مختلف آن وجود داشت، دولت مخالفت صریح خود را اعلام و به صورت رسمی این نظر را به مجلس شورای اسلامی ارسال کرد؛ لذا نظر رسمی دولت، مخالفت با این طرح است.»

در سوی دیگر حسام‌الدین آشنا، مشاور پیشین رئیس جمهور در توثیتی درباره «مقابله با نفوذ سرویس‌های اطلاعاتی و دولت‌ها یا نهاد‌های بیگانه در کشور» نوشت: «اصل مقابله با جاسوسی، تأمین مالی خارجی انتخابات، انتقال اطلاعات طبقه‌بندی‌شده و عملیات هدایت‌شده از خارج، هدفی مشروع است؛ اما متن حاضر از لحاظ نسبت با قانون اساسی دارای اشکالات اساسی است.»



نماینده دولت موافق طرح «مقابله با نفوذ بیگانگان»

البته نکته جالب توجه اینجاست که نماینده دولت در مجلس در موافقت با کلیات این طرح سخن گفته است. میثم ظهوریان، نماینده مردم مشهد، در واکنش به اظهارات رئیس امور اطلاع رسانی پزشک‌های مبنی بر مخالفت دولت با قانون «مقابله با نفوذ بیگانگان» اظهار داشت: منطقاً نظر دولت در مورد هر طرح یا لایحه به صورت رسمی از پشت تربیون مجلس و توسط معاونت پارلمانی اعلام می‌شود و نه در توییت. نماینده دولت (معاونت پارلمانی) نیز در جلسه رای گیری کلیات نه تنها نظر دولت را به طرح مثبت اعلام کرد که چند آن نطق نمود!

جعفر کاظمی

روزنامه‌نگار

۶

قانون «مقابله با نفوذ بیگانگان» که پس از ماه‌ها بررسی کارشناسی در کمیسیون امنیت ملی، در اسفندماه ۱۴۰۴ به سرانجام نهایی رسیده بود؛ به دلیل هم‌زمانی با تحولات میدانی و آغاز جنگ تحمیلی سوم و تعطیلی ۵ ماهه مجلس، تصویب آن با وقفه‌ای طولانی همراه بود، اما بالاخره روز یکشنبه ۲۵ مرداد ماه، کلیات قانون طرح «مقابله با نفوذ بیگانگان» در صحن مجازی علنی مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

قانونی که برخلاف تصور افکار عمومی و انتقادات متعدد مخالفین طرح، واکنشی آنی به تنش‌های مقطعی نبوده و نیست؛ بلکه اقدامی قاطع به یک خلأ راهبردی دیرینه در حوزه شفاف‌سازی، ساماندهی و مدیریت مخاطرات روابط فرامرزی محسوب می‌شود. این طرح که پس از مدت‌ها تعطیلی صحن مجلس، در بستر مجازی به تصویب اکثریت نمایندگان رسیده است، گامی مؤثر در تأمین امنیت ملی و خنثی‌سازی توطئه‌های خارجی محسوب می‌شود. نفوذ خارجی در جهان امروز دیگر صرفاً به جاسوسی، عملیات امنیتی یا مداخله مستقیم سیاسی محدود نمی‌شود.

این پدیده به تدریج به شبکه‌ای پیچیده از اثرگذاری در حوزه‌های تصمیم‌سازی، رسانه، اقتصاد و ارتباط با نخبگان تبدیل شده است؛ شبکه‌ای که هدف آن می‌تواند تغییر محاسبات و جهت‌دهی به تصمیمات کلان کشورها در بزنگاه‌های حساس باشد. به تعبیری دیگر این پدیده نه یک امر تصادفی، بلکه جزء لاینفک حکمرانی در عصر کنونی است. دولت‌های پیشرو جهان، با درک این واقعیت، از رویه‌های زودگذر و هیجانی عبور کرده و به یک الگو و سیستم شفاف روی آورده‌اند تا میان ارتباطات مشروع و مداخله مخرب، مرزی حقوقی ترسیم کنند.

تشدید تحریم ایران یا هزینه‌سازی برای آمریکا؟



دولت آمریکا در حالی از آغاز مرحله‌ای تازه از فشار اقتصادی علیه ایران و اعمال تحریم‌های «سخت‌ترین تحریم‌های تاریخ» سخن می‌گوید که نشانه‌های بازار انرژی، از هزینه‌زا بودن این سیاست برای خود واشنگتن حکایت دارد. افزایش قیمت نفت تا محدوده ۹۴ دلار در هربشکه، در کنار واکنش وزیر خزانه‌داری آمریکا که گفت علت جهش ناگهانی قیمت نفت را «واقعاً نمی‌فهمد»، نشان می‌دهد فشار اقتصادی علیه ایران لزوماً به معنای فشار یک‌طرفه بر تهران نیست. دونالد ترامپ و اسکاوت بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، از تشدید فشار بر اقتصاد ایران خبر داده‌اند و آمریکا از کشورهای دیگر نیز خواسته است در اجرای این سیاست با آمریکا همراه شوند. قیمت نفت برنت در معاملات دیروز در محدوده ۹۳ تا ۹۴ دلار قرار گرفت و با وجود اندکی کاهش روزانه، همچنان در مسیر ثبت دومین رشد هفتگی متوالی بود. برنت در

کشورمان می‌تواند با توسعه مسیرهای تجاری جایگزین، تعمیق همکاری با چین و روسیه، استفاده بیشتر از ارزهای ملی و کاهش وابستگی به واسطه‌های مالی، بخشی از آثار تحریم را خنثی کند. حتی پیشنهادهایی برای تهاثر مستقیم درآمد نفتی با کالاهای راهبردی مانند غلات روسیه مطرح شده که می‌تواند وابستگی به مسیرهای مالی پرهزینه را کاهش دهد.

در چنین شرایطی، تحریم تازه آمریکا با هدف اثروانی بر اقتصاد ایران مطرح می‌شود، زیرا کشورمان تا کنون تحت شدیدترین تحریم‌ها قرار داشت؛ بنابراین اقدام آمریکا بیش از آنکه پایان راه اقتصاد ایران باشد، آزمونی دیگر برای توان تهران در بازطراحی مسیرهای تجارت خارجی است. آمریکا جنگ نظامی را به سمت جنگ اقتصادی سوق داده است و در این میان تاب‌آوری اقتصادی دو کشور ادامه مسیر را تعیین می‌کند.

هفته گذشته بیش از ۷ درصد افزایش یافت که نگرانی درباره اختلال عرضه در خاورمیانه و وضعیت تنگه هرمز از مهم‌ترین عوامل این افزایش عنوان شده است. هرچه فشار بر ایران و مسیرهای صادراتی منطقه افزایش یابد، ریسک عرضه نفت نیز بیشتر شده و این مسئله می‌تواند قیمت انرژی را برای مصرف‌کنندگان آمریکایی و اقتصاد جهانی بالا ببرد.

در همین حال، تلاش واشنگتن برای ایجاد اجماع جهانی علیه ایران نیز با مخالفت پکن روبه‌رو شده است. چین صراحتاً اعلام کرده با تحریم‌های یکجانبه‌ای که مبنای حقوق بین‌الملل یا مجوز شورای امنیت ندارند، مخالف است.

با وجود این، تجربه سال‌های گذشته نشان می‌دهد که اقتصاد ایران با تحریم بیگانه نیست و فشار حداکثری، الزاماً به نتیجه مورد انتظار آمریکا منجر نمی‌شود.

روایت رئیس کمیسیون کشاورزی از تصمیم‌های بحث‌برانگیز وزارت جهاد کشاورزی نشان می‌دهد؛

از مرغ تاریخ گذشته تا ادعای خودکفایی

عملکرد وزارت جهاد کشاورزی دولت چهاردهم، بیش از آنکه نشانه یک مدیریت منسجم در زنجیره امنیت غذایی باشد، با مجموعه‌ای از تصمیم‌های بحث‌برانگیز، نوسان در بازار کالاهای اساسی و انتقادهای جدی مجلس همراه است. در یک سو، وزیر جهاد کشاورزی از بی‌نیازی دائمی کشور به واردات مرغ و ورود ایران به مرحله صادرات سخن می‌گوید و در سوی دیگر، رئیس کمیسیون کشاورزی مجلس از سوءمدیریتی روایت می‌کند که به انباشت ۲۰ هزار و ۵۰۰ تن مرغ منجمد در سردخانه‌ها و پایان تاریخ مصرف آنها انجامیده است؛ محصولاتی که برای تمدید تاریخ مصرفشان، از سوی برخی افراد فشارهایی وارد شده است



نیما سوهیلی
روزنامه‌نگار

بازار عرضه شده و سرنوشت باقی‌مانده آن چه می‌شود.

عسکری همچنین اعلام کرد که کشورمان حدود ۲۱ هزار و ۵۰۰ واحد تولید پروتئین سفید، شامل مرغ و تخم‌مرغ، دارد و سالانه حدود ۳ میلیون تن گوشت مرغ تولید می‌شود، در حالی که نیاز کشور حدود ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تن است. طبق این آمار، ۵۰۰ هزار تن ظرفیت مازاد وجود دارد که می‌تواند صادر، ذخیره یا وارد صنایع تبدیلی شود. این اعداد، اگرچه ظرفیت بالای تولید را نشان می‌دهد، اما پرسش اصلی درباره نحوه مدیریت این ظرفیت است. اگر تولید مازاد وجود دارد، چگونه حدود ۲۰ هزار و ۵۰۰ تن مرغ در سردخانه‌ها باقی می‌ماند و تاریخ مصرف آن به پایان می‌رسد؟ اگر ذخیره‌سازی بخشی از راهبرد امنیت غذایی است، چرا سازوکار خروج و مصرف این ذخایر به‌موقع فعال نشده است؟ و اگر صادرات راه حل مازاد تولید است، چرا بازار داخلی طی ماه‌های اخیر با نوسانات شدید مواجه شده است؟

چرا دستگاه‌های نظارتی ورود نمی‌کنند؟

انتقادهای وزارت جهاد کشاورزی البته تنها به موارد مطرح شده بر نمی‌گردد. یکی از مسائل مطرح درباره عملکرد این وزارتخانه، بلا تکلیف ماندن سرنوشت ۴۵ هزار میلیارد تومان نهاده دامی است که از برای آن تخصیص داده شده، اما در سامانه بازارگاه عرضه نشده است. هرچند نوری قزلقه گفت: اعداد و ارقام مطرح شده در رسانه‌ها صحت ندارد و مربوط به دوره‌ای خارج از دولت فعلی است. این در حالی است که عباس بیگلری، رئیس هیئت تحقیق و تفحص مجلس، گفته بود: «وزارت جهاد کشاورزی نه تنها با هیئت تحقیق و تفحص در این پرونده همکاری نداشته، بلکه اقدام به بستن دفتر هیئت تحقیق و تفحص کرده است. او اعلام کرد که برای واردات ۳.۵ میلیون تن نهاده، ارز ترجیحی دریافت شده، اما نهاده‌ای در بازارگاه توزیع نشده است. بنابراین لازم است دستگاه‌های نظارتی و همچنین قوه قضائیه به این ماجرا ورود و آن را بررسی کنند تا موضوع روشن شود و اگر تخلفی رخ داده است، بان برخورد شود.

قیمت مرغ پس از حذف ارز ترجیحی نهاده‌ها، پرسش دیگری را مطرح می‌کند: آیا صادرات و نبود کمبود در بازار به معنای حفظ قدرت خرید خانوار و ثبات مصرف است یا بخشی از تعدیل بازار از مسیر کاهش تقاضا اتفاق افتاده است؟ وزارت جهاد کشاورزی تاکنون آمار روشنی از تغییر میزان مصرف مرغ خانوارها پس از حذف ارز ترجیحی منتشر نکرده است.

۲۰ هزار تن مرغ تاریخ گذشته در سردخانه

در چنین شرایطی، سخنان رئیس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس، ابعاد دیگری از مسئله را نشان می‌دهد. به اعتقاد عسکری، مشکل بخش کشاورزی فقط کمبود تولید نیست، بلکه ضعف سیاست‌گذاری و مدیریت نیز می‌تواند به بحران تبدیل شود. او در تشریح وضعیت بازار مرغ طی سه تا چهار ماه گذشته، از نوسانات شدید این بازار خبر داد و گفت: یکی از نتایج این نابسامانی، باقی ماندن حدود ۲۰ هزار و ۵۰۰ تن مرغ منجمد در سردخانه‌ها و پایان یافتن تاریخ مصرف این محصولات بوده است. به گفته این نماینده مجلس، پس از پایان تاریخ مصرف این مرغ‌ها، موضوع تغییر تاریخ یا درج برچسب جدید و تمدید سه ماهه آن، بدون انجام آزمایش‌های لازم، به‌ویژه آزمایش مربوط به باکتری سالمونلا، از سوی وزارت جهاد کشاورزی مطرح شد.

عسکری افزود: محمدیان، معاون دامپزشکی کشور، با این درخواست همراهی نکرد و حتی در جلسه‌ای با اعضای کمیسیون کشاورزی مجلس گفته است که برای تغییر تاریخ مصرف این محصولات تحت فلوگیری شده است. این خود برکنار شده است. به گفته او، کمیسیون کشاورزی موضوع را هم به سازمان بازرسی کل کشور و هم به رئیس جمهور گزارش کرده است. نکته مهم‌تر اینکه عسکری تأکید کرده است همه این ۲۰ هزار و ۵۰۰ تن مرغ در سردخانه باقی نمانده و بخشی از آن عرضه شده و از عرضه بخش دیگری جلوگیری شده است. این سخنان نیازمند پاسخ شفاف وزارت جهاد کشاورزی و دستگاه‌های نظارتی است؛ اینکه دقیقاً چه میزان مرغ، در چه تاریخی، با چه مجوزی و پس از انجام چه آزمایش‌هایی به

محمد جواد عسکری، رئیس کمیسیون کشاورزی، آب، منابع طبیعی و محیط زیست مجلس، در نشست خبری اخیر خود مجموعه‌ای از انتقادهای به عملکرد وزارت جهاد کشاورزی مطرح کرد؛ از وضعیت مرغ و نهاده‌های دامی تا تأخیر در پرداخت مطالبات گندم‌کاران و نحوه اجرای حذف ارز ترجیحی. در سخنان او، مسئله فقط یک تصمیم اشتباه یا یک اختلال مقطعی نیست، بلکه زنجیره‌ای از بی‌تدبیری، سهل‌انگاری و سوءمدیریت است که در نهایت، هزینه آن به تولیدکننده، مصرف‌کننده و امنیت غذایی کشور منتقل می‌شود. در این میان، اظهارات عسکری درباره حذف ارز ترجیحی شاید صریح‌ترین نقد به سیاست‌گذاری دولت باشد. او می‌گوید حذف ارز ترجیحی می‌توانست یک جراحی اقتصادی خوب باشد، اما در بدترین زمان ممکن انجام شد؛ آن هم بدون آنکه زیرساخت‌ها و سازوکارهای لازم برای اجرای آن آماده شده باشد. او همچنین تأکید کرد که کمیسیون کشاورزی پیش از اجرای این سیاست، در نامه‌ای به مسعود پزشکیان نسبت به زمان و نحوه حذف ارز ترجیحی هشدار داده بود، اما این هشدارها مورد توجه قرار نگرفت.

کاهش ۲۵ درصدی تولید مرغ

غلامرضا نوری قزلقه، وزیر جهاد کشاورزی، هفته گذشته در نشست خبری برای اعلام دستاوردهای دولت چهاردهم گفت: «کشور برای همیشه از واردات گوشت مرغ بی‌نیاز شده و اکنون وارد مرحله صادرات مرغ شده است.» خبرگزاری فارس نیز نوشت: براساس اطلاعاتی که از وزارت جهاد کشاورزی به دست آمده است، تولید گوشت مرغ از ۲۳۰ هزار تن در خرداد ۱۴۰۴ به ۱۷۴ هزار تن در خرداد امسال رسیده؛ یعنی عرضه تولید داخل در این بازه حدود ۲۵ درصد کاهش یافته است. در عین حال، بازار با کمبود مرغ مواجه نشده و همزمان واردات نیز انجام نمی‌شود، اما افزایش



مسئله فقط مرغ نیست

انتقاد رئیس کمیسیون کشاورزی به وزارت جهاد کشاورزی به بازار مرغ محدود نمی‌شود. او تأخیر در پرداخت مطالبات گندم‌کاران، مشکلات نهاده‌های دامی و پرونده تحقیق و تفحص مجلس درباره واردات و توزیع نهاده‌ها نیز سخن گفته است. عسکری افزود: در حوزه نهاده‌های دامی و فساد بیداد می‌کند و اختلاف قیمت‌ها و اتفاقات رخ داده در این بازار باید به‌طور جدی بررسی شود. برای بررسی مشکلات و تسهیل تولید برای افزایش خطوط پذیرش، تسهیل تردد و ایجاد مسیرهای جایگزین استفاده کند. با این حال مسعود پزشکیان با تأکید بر ضرورت پایان جنگ، خطاب به منتقدان گفت: به جای بیان دردها، برای درمان مشکلات باید چاره کرد. اکنون همین منطق می‌تواند در حوزه تجارت نیز معیار ارزیابی عملکرد دولت باشد. فعالان اقتصادی بیش از انتقاد از شرایط، به اقدام، رایزنی و حل‌گره‌های عملیاتی نیاز دارند. در شرایطی که هزاران کامیون و هزاران کانتینر در انتظار عبور مانده‌اند، دیپلماسی با ترکیه و پاکستان و سایر همسایگان، دیگر یک انتخاب فرعی نیست؛ بخشی از ضرورت مدیریت بحران اقتصادی و حفظ جریان تجارت کشور است.

هیج

دو ماه پس از تفاهم‌نامه اسلام‌آباد که از سوی مقامات دولت پزشکیان به‌عنوان مسیری برای گشایش اقتصادی و آزادسازی منابع کشور معرفی می‌شد، رئیس‌کل بانک مرکزی پرده از واقعیتی متفاوت برداشت و اعتراف کرد که حتی یک دلار از

رئیس بانک مرکزی از آزاد نشدن دارایی‌های مسدود شده در قالب تفاهم نامه اسلام‌آباد پرده برداشت؛

منابع مسدودشده ایران آزاد نشده است. عبدالناصر همتی در حالی این موضوع را اعلام کرد که پیش از این، مقامات مختلف از آزادسازی ۶، ۱۲ و حتی ۲۵ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه‌شده سخن گفته بودند.



حمید کمار

روزنامه نگار

خرید کالاهای اساسی با ارزهای آزادشده در روزهای آینده خبرداد.

البته همتی تنها فردی نبود که از موفقیت مذاکرات در آزادسازی دارایی‌های مسدودشده کشور خبرداد. محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس، مسعود پزشکیان، رئیس دولت، محمدجعفر قاسمی‌پناه، معاون اجرایی پزشکیان، سعید آجرلو، عضو تیم رسانه‌ای هیئت مذاکره‌کننده، و حسین قربان‌زاده، عضو کمیته اقتصادی تیم مذاکره‌کننده، نیز از موفقیت این مذاکرات برای آزادسازی منابع بلوکه شدن ایران خبر داده بودند. نکته جالب در این اظهارنظرها، ارائه ارقام متفاوت درباره میزان آزادشده طبق توافق بود. همین تفاوت روایت نشان می‌داد آنچه مقامات دولت و مذاکره‌کنندگان از آزادسازی اموال بلوکه‌شده گفتند، با واقعیت منطبق نبود.

سند درستی تحلیل منتقدان، البته صرفاً اعتراف همتی به آزاد نشدن دارایی‌های مسدودشده ایران نیست. آمارها نشان

می‌دهد پس از

تفاهم‌نامه اسلام‌آباد،

قیمت سوخت در

آمریکا کاهش یافت

و اکنون این قیمت

به مراتب کمتر از اوج

پیش از تفاهم است.

همچنین نرخ تورم

در آمریکا طی دو ماه

آخر به‌طور متوالی

کاهش یافته است.

قیمت هر گالن بنزین

در آمریکا نیز که تا

پیش از تفاهم‌نامه به

بیش از ۴۰ دلار رسیده

بود، اکنون حدود ۴۰

دلار است. این حقایق

نشان می‌دهد بازی

ترامپ با مذاکرات با

هدف کاهش فشار

اقتصادی ناشی از

جنگ بر اقتصاد

آمریکا، دست‌کم تا

حدی موفقیت‌آمیز

بوده است.

بررسی رفتار آمریکا

از ابتدای جنگ

تاکنون نیز نشان

می‌دهد مقامات

دولت آمریکا نسبت

اظهارات همتی نه تنها اعتبار وعده‌های مطرح‌شده درباره دستاوردهای تفاهم‌نامه رازیر سؤال برده، بلکه بار دیگر این پرسش را پیش کشیده است که آیا مذاکرات، آن‌گونه که منتقدان هشدار می‌دادند، بیش از آنکه برای ایران دستاورد اقتصادی داشته باشد، به کاهش فشارهای اقتصادی آمریکا کمک کرده است؟ رئیس‌کل بانک مرکزی چهارشنبه شب گذشته (۲۸ مرداد) با حضور در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری، توضیحاتی درباره مسائل مختلف اقتصادی ارائه کرد. موضوعی که بیش از همه در اظهارات همتی بازتاب یافت، وصول نشدن حتی یک دلار از دارایی‌های مسدودشده کشور پس از

تفاهم‌نامه اسلام‌آباد بود.

او در پاسخ به سؤالی درباره اخبار منتشرشده

در فضای مجازی درباره بازگشت طلا و اموال

مسدودشده ایران با هواپیما، این اخبار را

تکذیب کرد و آن را شایعه دانست. همتی

درباره آزادسازی بخشی از منابع بلوکه‌شده

ایران طبق «تفاهم اسلام‌آباد» گفت: مقرر

بود در مجموع ۱۲ میلیارد دلار از منابع کشور،

شامل ۶ میلیارد دلار در قطر و ۶ میلیارد دلار

در سایر کشورها، به تدریج در دسترس

قرار گیرد، اما تاکنون اجرایی نشده است.

اعتراف همتی درباره پوچ بودن وعده‌های

اقتصادی تفاهم‌نامه، ذهن‌ها را به یاد یک

اظهارنظر تاریخی دیگر با همین مضمون

می‌اندازد. درست حدود ۱۰ سال پیش،

ولی‌الله‌سیف رئیس‌کل وقت بانک مرکزی

در دولت روحانی همین اظهارات را درباره

دستاوردهای توافق هسته‌ای (برجام) مطرح

کرد. سیف ۲۸ فروردین سال ۱۳۹۵ در نشست

شورای روابط خارجی آمریکا، در تشریح

میزان تحقق تعهدات طرف مقابل در زمینه

رفع تحریم‌های بانکی گفت: «اجازه دهید

به آنچه که از سه ماه گذشته از تاریخ اجرای

برنامه جامع اقدام مشترک روی داده است،

نگاه اجمالی داشته باشیم: تقریباً هیچ...»

وعده‌هایی که محقق نشد

اعتراف همتی به آزاد نشدن دارایی‌های

مسدودشده در حالی است که وی کمتر

از دو ماه پیش از موفقیت مذاکرات در

آزادسازی این دارایی‌ها خبر داده بود. او دوم

تیرماه، اعلام کرد: «مذاکرات سوئیس برای

آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده موفقیت‌آمیز

بود» و حتی از انجام نخستین محموله

نوبت

برای چندمین بار،
حرف منتقدان
اثبات شد

اعتراف همتی به

آزاد نشدن حتی یک

دلار از دارایی‌های

مسدودشده ایران

پس از تفاهم‌نامه،

درستی انتقاد

منتقدان، خصوصاً

درباره عملی نشدن

تعهدات آمریکا، را

اثبات کرد. یکی از

مسائلی که برخی

از منتقدان در ایام

مذاکرات اسلام‌آباد

مطرح می‌کردند،

سوءاستفاده

آمریکا از مذاکرات و

تفاهم‌نامه با هدف

رها شدن این کشور

از فشار اقتصادی

ناشی از جنگ، بدون

اجرای هیچ‌یک از

تعهداتش بود. با

این حال، اعضای

تیم مذاکره‌کننده و

حامیان آنها با تأکید

بر نقد بودن امتیازات

دریافتی از آمریکا،

به دفاع از مذاکرات

و متن تفاهم‌نامه

پرداختند. اکنون با

گذشت بیش از دو

ماه از روز امضای

تفاهم‌نامه، درستی

تحلیل منتقدان

و خطای حامیان

تفاهم‌نامه اثبات

شد.

اقتصاد آمریکا در شرایطی وارد مرحله‌ای حساس شده که هم‌زمان دو فشار بزرگ انفجار بدهی دولت و هزینه‌های فزاینده جنگ با ایران بر آن وارد می‌شود. بدهی عمومی آمریکا در ۱۸ اوت ۲۰۲۶ (۲۷ مرداد ۱۴۰۵) برای نخستین بار از مرز ۴۰ تریلیون دلار عبور کرد و به ۴۰۰۴۷ تریلیون دلار رسید؛ رقمی که بیش از دو برابر بدهی حدود ۱۹۰۹۵ تریلیون دلاری در ژانویه ۲۰۱۷ است. از این میزان، حدود ۳۲۰۲۷ تریلیون دلار بدهی در اختیار عموم و حدود ۷۰۷۸ تریلیون دلار بدهی درون دولتی است. جالب اینجاست که این بدهی پیش از جنگ رمضان ۳۸۰۸ تریلیون دلار بود که بعد از جنگ ۱۰۲ تریلیون دلار بیشتر شده است. مسئله اصلی، سرعت رشد بدهی و هزینه‌ای است که واشنگتن برای حفظ این ساختار مالی می‌پردازد. هزینه خالص بهره بدهی (سود پرداختی توسط آمریکا) در سال ۲۰۲۶ حدود ۱۰۰۰ میلیارد دلار در سال برآورد شده و دفتر بودجه کنگره پیش‌بینی می‌کند این رقم تا سال ۲۰۳۶ به حدود ۳۰۱ تریلیون دلار برسد. اما در سال ۲۰۲۶ جنگ با ایران تازه این معادله را برای آمریکا پیچیده‌تر کرده است. جنگ از یک سوم مستقیماً هزینه‌های دفاعی و نظامی واشنگتن را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر با ایجاد اختلال در بازار انرژی و تنگه هرمز، قیمت نفت و فرآورده‌های نفتی را بالا برده است. افزایش قیمت نفت به معنای فشار تورمی بیشتر است؛ تورمی که می‌تواند دست فدرال رزرو (بانک مرکزی آمریکا) را برای کاهش نرخ بهره ببندد؛ هم‌زمان، دولت ترامپ برای تأمین هزینه‌های جنگ و کسری بودجه ناچار به انتشار اوراق بیشتری است.

وقتی بازار به آمریکا اعتماد نمی‌کند

این همان نقطه‌ای است که بحران بدهی می‌تواند به یک چرخه خطرناک تبدیل شود؛ زیرا جنگ، هزینه دولت را بالا می‌برد؛ کسری بیشتر، انتشار اوراق را افزایش می‌دهد؛ عرضه بیشتر اوراق، بازده مورد مطالبه سرمایه‌گذاران را بالا می‌برد؛ و نرخ‌های بالاتر نیز هزینه بهره دولت را افزایش می‌دهد. بازار اوراق خزانه آمریکا اکنون دقیقاً همین نگرانی را منعکس می‌کند. بازده اوراق ۳۰ ساله در هفته جاری تا حدود ۵۰۳۴ درصد بالا رفت؛ سطحی که از سال ۲۰۰۷ سابقه نداشته است. بازده اوراق ۱۰ ساله نیز در حوالی ۴۰۷ درصد نوسان دارد. وزارت خزانه‌داری آمریکا برای آرام کردن بازار اعلام کرد که حجم بازخرید اوراق بلندمدت را از ۲ میلیارد دلار به دست‌کم ۳ میلیارد دلار در هر عملیات افزایش می‌دهد، اما واکنش بازار نشان داد این اقدام بیش‌تر یک مُسکن است تا درمان. در بازاری باده‌ها تریلیون دلار بدهی، خرید چند میلیارد دلار اوراق نمی‌تواند نگرانی سرمایه‌گذاران درباره کسری بودجه، تورم، جنگ و رشد بدهی را برطرف کند.

افزایش بازده اوراق نیز فقط مشکل دولت نیست. نرخ‌های بالاتر، هزینه وام مسکن، تأمین مالی شرکت‌ها و سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد و می‌تواند ارزش سهام، به‌ویژه شرکت‌های رشدی و فناوری، را تحت فشار قرار دهد. هم‌زمان، رشد قیمت نفت قدرت خرید خانوارهای آمریکایی را کاهش می‌دهد و هزینه تولید بنگاه‌ها را بالا می‌برد. در چنین شرایطی، ۴۰ تریلیون دلار دیگر صرفاً یک عدد تاریخی نیست؛ هشدارى درباره محدود شدن قدرت مانور مالی آمریکاست. جنگ با ایران (بسته ماندن تنگه هرمز) اگر طولانی شود، می‌تواند این فشارها را تشدید کند که به معنای مخارج نظامی بالاتر، نفت گران‌تر، تورم بیشتر، نرخ بهره بالاتر و در نهایت هزینه سنگین تر استقراض دولت است. آمریکا هنوز در آستانه ورشکستگی نیست، اما ترکیب بدهی فزاینده، کسری حدود ۳۰۱ تریلیون دلاری، هزینه بدهی بیش از یک تریلیون دلار و تبعات اقتصادی جنگ، این کشور را به نقطه‌ای نزدیک می‌کند که دیگر نمی‌توان مشکلات مالی را با استقراض بیشتر به آینده منتقل کرد. اگر این روند ادامه یابد، خطر اصلی نه یک «فروپاشی ناگهانی»، بلکه فرسایش تدریجی قدرت مالی آمریکا است؛ فرایندی که می‌تواند از بازار اوراق آغاز شود، به وال استریت و اقتصاد واقعی برسد و در نهایت هزینه آن را مصرف‌کننده آمریکایی و اقتصاد جهانی بپردازند.

یادداشت

انتخابات
در سرزمین بحرانمحسن پوردادفر
روزنامه‌نگار

رژیم صهیونیستی در حالی به انتخابات ۲۷ اکتبر نزدیک می‌شود که شکاف‌های سیاسی، اعتراضات اجتماعی و بحران اعتماد به نزدیکان و مقامات جنایتکار نتانیاهو بیش از هر زمان دیگری خود را نشان می‌دهد. از دعوای احزاب و رقبای انتخاباتی تا اعتصاب فرودگاه بن‌گوریون و حتی تردید ترامپ برای حمایت از نتانیاهو، نشانه‌ها حکایت از آن دارد که این رژیم در آستانه انتخاباتی پرتنش، با جامعه‌ای گرفتار اختلاف و حاکمیتی گرفتار بحران روبه‌روست.

در تازه‌ترین نشانه‌های این آشفتگی، فرودگاه بن‌گوریون به صحنه یک درگیری سیاسی و صنفی تبدیل شد. اعتصابی که حدود ۱۰۰ هزار مسافرو ۶۰۰ پرواز را تحت تأثیر قرار داد و بنا بر برآورد وزارت دارایی، بین ۲۵ تا ۳۰ میلیون شکل به اقتصاد این رژیم خسارت زد. نتانیاهو نیز در واکنش، دستور اخراج «پینخاس عیدان»، رئیس کمیته کارکنان فرودگاه و عضو حزب لیکود را صادر کرد. اقدامی که عمق تنش در اردوگاه حاکم را نشان می‌دهد.

اما این تنها گوشه‌ای از بحران داخلی صهیونیست‌هاست. روزنامه «هاآرتس» از تشدید رقابت و اختلاف در اردوگاه مخالفان نتانیاهو خبر داده و نوشته است نفتالی بنت و آویگدور لیبرمن نسبت به گادی آیزنکوت بدبین شده‌اند و هریک دیگری را متهم می‌کند که برای حذف رقبای خود تلاش دارد. در سوی دیگر، نتانیاهو نیز در انتخابات داخلی لیکود رقبای خود را کنار زده است؛ اما همین اقدامات، به جای نمایش اقتدار، تصویری از اردوگاهی گرفتار ارائه می‌کند. از سوی دیگر، بحران سیاسی تل‌آویو به سیاست خارجی و پیرونده سوریه نیز سرایت کرده است. رویترز گزارش داده اسرائیل پس از حمله به پایگاه ابوالظهور سوریه، وارد رویارویی لفظی تازه‌ای با ترکیه شده است. وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، ترکیه را به ماجراجویی خطرناک متهم کرده و آنکارا نیز حملات اسرائیل را بی‌ملاحظه خوانده است. نکته مهم آنجاست که رویترز تصریح می‌کند نگرانی‌های امنیتی درباره سوریه اکنون در آستانه انتخابات ۲۷ اکتبر به موضوعی مهم در فضای سیاسی اسرائیل تبدیل شده است. انتخاباتی که نظرسنجی‌ها در آن از عقب‌افتادن نتانیاهو حکایت دارند.

حتی ترامپ نیز فعلاً حاضر نشده تمام قد پشت نتانیاهو بایستد. او گفته ممکن است از یک نامزد حمایت کند، اما فعلاً ترجیح می‌دهد در انتخابات اسرائیل دخالت نکند. نظرسنجی‌ها نیز نشان می‌دهند ائتلاف نتانیاهو با حدود ۵۰ کرسی از ۱۲۰ کرسی کنست، با خطر جدی شکست روبه‌روست و آیزنکوت در موقعیت بهتری برای تشکیل دولت قرار گرفته است. واقعیت این است که انتخابات پیش‌روی رژیم صهیونیستی فقط رقابت چند حزب برای تصاحب کرسی‌های کنست نیست بلکه صحنه‌ای برای آشکار شدن شکاف‌هایی است که از درون، پایه‌های این رژیم را هدف گرفته است. رژیمی که مدعی ثبات و قدرت است، امروز در فرودگاه، پارلمان، حزب حاکم و حتی میان متحدان خارجی خود با اختلاف و بحران دست‌وپنجه نرم می‌کند. این همان واقعیتی است که هیاهوی امنیتی و نظامی تل‌آویو نمی‌تواند آن را پنهان کند.

احسان میرباقری
روزنامه‌نگار

ماجرارایباید از یک سؤال ساده آغاز کرد؛ تفاهمی که قرار بود به توقف درگیری‌ها و کاهش فشار بر لبنان منجر شود، در میدان چه چیزی برای لبنان به ارمغان آورده است؟ و پاسخ به این پرسش واضح است؛ تقریباً هیچ!

حتی در شرایطی که آتش بس یکی از محورهای اصلی تفاهم اعلام شده بود، ارتش رژیم صهیونیستی نه تنها از مواضع خود عقب ننشست، بلکه به گفته منابع مختلف، دامنه تحرکاتش را در عمق خاک لبنان گسترش داد و به اطراف شهرنبطیه نزدیک تر شد.

اکنون نیز ارتفاعات علی الطاهر به یکی از مهم‌ترین نقاط درگیری تبدیل شده است. منطقه‌ای که از نظر جغرافیایی بر نبطیه، اقلیم التفاح، ارتفاعات ریحان و بخش‌هایی از مناطق اشغالی اشرف دارد. رسانه‌های صهیونیستی مدعی شده‌اند نیروهای ویژه ارتش رژیم و یگان «ماگلان» وارد بخشی از تأسیسات زیرزمینی منتسب به حزب‌الله این منطقه شده‌اند و از کشف مراکز فرماندهی، تجهیزات، پهپاد و موشک‌های ضد زره سخن گفته‌اند. این ادعاها هنوز از سوی حزب‌الله‌آید نشده و باید با احتیاط درباره جزئیات آن سخن گفت، اما اصل مسئله مهم تراز جنگ روایت‌هاست. اینکه رژیم صهیونیستی در حال تلاش برای تثبیت حضور نظامی خود در نقاط راهبردی جنوب لبنان است.

علی الطاهر، مرکز راهبردی حزب الله

ارتفاعات علی الطاهر با ارتفاع حدود ۶۹۰ متر از سطح دریا، صرفاً یک نقطه جغرافیایی نیست. این ارتفاعات از جنوب بر بخش‌هایی از الجلیل و مواضع ارتش اسرائیل در داخل خاک لبنان اشرف دارد و از شمال نیز به اقلیم التفاح و ارتفاعات ریحان و از غرب به شهر نبطیه و ارتفاعات شقیف مشرف است.

به همین دلیل است که صهیونیست‌ها برای تسلط بر آن تلاش می‌کنند. اگر این ارتفاعات در اختیار دشمن قرار

بازی خطرناک صهیون در لبنان

تفاهم‌نامه‌ای که برای لبنان
هیچ دستاوردی نداشت

درحالی‌که برخی جریان‌ها همچنان تلاش می‌کنند واقعیت میدانی لبنان را پشت واژه‌هایی مانند تفاهم و آتش بس پنهان کنند، درگیری‌ها در ارتفاعات علی الطاهر تصویر دیگری ارائه می‌دهد. تصویری از پیش‌روی تدریجی رژیم صهیونیستی، تثبیت مواضع اشغالی و تبدیل آتش بس به فرصتی برای تحکیم دستاوردهای نظامی. ادعای نفوذ نیروهای ویژه اسرائیلی به تأسیسات زیرزمینی علی الطاهر، در کنار تداوم حملات و بمباران مناطق مختلف جنوب لبنان، نشان می‌دهد که دشمن نه تنها متوقف نشده، بلکه در حال تغییر معادله میدانی به سود خود است.

راهبردی برای جلوگیری از تغییر معادله لبنان انجام ندهد، خطر فقط از دست رفتن یک ارتفاع یا حتی چند منطقه نیست. مسئله بزرگ‌تر است. لبنان در معرض باختن تدریجی قرار می‌گیرد و این شکست، مستقیماً به ایران نیز متصل است. صهیونیست‌ها و آمریکا زمانی که بتوانند جبهه لبنان را مهار کنند، دست بازتری برای فشار در دیگر جبهه‌ها خواهند داشت. محاصره دریایی آمریکا نیز در چنین شرایطی می‌تواند اثرگذاری بیشتری پیدا کند، چرا که یکی از مهم‌ترین اهرم‌های بازدارندگی منطقه‌ای علیه فشار بر ایران، همین پیوستگی جبهه‌های مقاومت است.

بنابراین مسئله فقط لبنان نیست. اگر دشمن بتواند جنوب لبنان را به یک منطقه تثبیت‌شده نظامی تبدیل کند، در مرحله بعد فشار بر عراق، یمن و در نهایت ایران آسان‌تر خواهد شد. این همان زنجیره‌ای است که نباید اجازه داد شکل بگیرد.

مقاومت هنوز زنده است

در چنین شرایطی، آنچه بیش از هر چیز اهمیت دارد حفظ روحیه مقاومت و جلوگیری از القای شکست است. حتی گزارش‌های میدانی درباره ادامه حضور نیروهای حزب‌الله در مناطق درگیری و تداوم عملیات علیه تحرکات صهیونیستی نشان می‌دهد که جنگ هنوز به پایان نرسیده است.

از سوی دیگر، فضای سیاسی و امنیتی جدید در ایران نیز می‌تواند برای جبهه مقاومت پیام‌آور انسجام و اقتدار باشد. انتصاب چهره‌هایی با سابقه روشن در حوزه امنیت و مقاومت، از جمله سردار وحیدی و دیگر مسئولان جدید، اگر با یک سیاست فعال منطقه‌ای همراه شود، می‌تواند پیام روشنی برای دشمن داشته باشد.

امروز مسئله علی الطاهر فقط مسئله یک تپه نیست؛ مسئله این است که آیا قرار است صهیونیست‌ها با استفاده از خلأ سیاسی و پوشش یک آتش بس، مرزهای اشغال را گام به گام جلو ببرند یا مقاومت و حامیان آن اجازه خواهند داد معادله تغییر کند؟

اگر لبنان را واگذار کنیم، دشمن یک قدم به ایران نزدیک‌تر شده است؛ و اگر اجازه دهیم محاصره دریایی و فشار نظامی آمریکا همزمان با تثبیت اشغال در لبنان پیش برود، هزینه مقابله با پروژه دشمن به مراتب سنگین‌تر خواهد شد.

گیرد، امکان تثبیت مواضع اشغالی و کنترل بهتر محورهای پیرامونی برای رژیم فراهم می‌شود. به بیان دیگر، علی الطاهر بخشی از پازل بزرگ‌تری است که هدف آن ایجاد کمربندی از مواضع نظامی در عمق جنوب لبنان است.

رسانه‌های صهیونیستی همچنین مدعی شده‌اند که در این منطقه، تأسیسات زیرزمینی مستحکمی وجود دارد و عملیات اخیر بخشی از تلاش برای کشف مسیرهای امداد رسانی و پشتیبانی نیروهای مستقر در این تأسیسات بوده است. در مقابل، گزارش‌هایی از ادامه حضور و فعالیت نیروهای مقاومت در منطقه منتشر شده و بنابراین هنوز نمی‌توان ادعاهای طرف مقابل درباره تصرف کامل علی الطاهر را قطعی تلقی کرد.

از نبطیه تا فرودگاه ابوظهور

همزمان با تشدید تحرکات در علی الطاهر، رژیم صهیونیستی حملات هوایی شدیدی را علیه مناطق مختلف لبنان انجام داده است. در یکی از موج‌های حمله، مناطقی مانند دیرالزهرای و انصار هدف قرار گرفتند و براساس گزارش وزارت بهداشت لبنان، ۱۱ نفر شهید و ۱۹ نفر مجروح شدند. حتی در روایت رسانه‌های صهیونیستی نیز روشن است که هدف گذاری صرفاً محدود به خطوط مرزی نیست. ترور فرماندهان مقاومت، حمله به مناطق مسکونی و تلاش برای ضربه زدن به زیرساخت‌های مقاومت، بخشی از راهبردی است که می‌خواهد لبنان را از درون تحت فشار قرار دهد.

از سوی دیگر، حملات رژیم به فرودگاه نظامی ابوظهور در سوریه و هدف قرار دادن تجهیزات و رادارهای مورد استفاده برای رصد تحرکات هوایی نیز نشان می‌دهد که صهیونیست‌ها در حال طراحی یک زنجیره منطقه‌ای هستند؛ زنجیره‌ای که فقط جنوب لبنان را هدف نگرفته است.

لبنان را با تفاهم نباید باخت

اینجاست که یک واقعیت تلخ خود را نشان می‌دهد. تفاهم‌نامه نه تنها برای لبنان کاری نکرد، بلکه اگر قرار باشد همین وضعیت ادامه پیدا کند، می‌تواند به پوششی برای تثبیت دستاوردهای رژیم صهیونیستی تبدیل شود. اگر ایران در این مقطع اقدام مؤثر و

همان روایت برجانی؛ وعده گشایش در آغاز و «تقریباً هیچ» در پایان

هزینه های نقد، وعده های نسبه

هرچه از پایان تفاهم ۶۰ روزه اسلام آباد می گذرد، پرده از واقعیتی که منتقدان از همان ابتدا درباره آن هشدار می دادند بیشتر کنار می رود. بانیان تفاهم اسلام آباد در روزهای نخست، با اظهارات پی در پی از آزاد شدن میلیاردها دلار از دارایی های بلوکه شده ایران،

دسترسی بانک مرکزی به منابع ارزی و گشایش های اقتصادی و تحریمی سخن گفتند؛ اما امروز، همان روایت دست خوش چرخشی ۱۸۰ درجه ای شده است: حتی یک دلار از منابع ایران نیز آزاد نشده است.



۶ محسن فرهمند
روزنامه نگار

گرفت. جعفر قائم پناه معاون پزشکیان و یار غار او نیز ۳۰ خرداد از آزادی تدریجی و کامل «۲۵ میلیارد دلار» دارایی های بلوکه شده خبر داد.

سپس محمد باقر قالیباف در اول تیر اعلام کرد آزادسازی پول های بلوکه شده در سفروسوئیس نهایی شده و دو مبلغ ۶ میلیارد دلاری در چارچوب بند ۱۱ باید آزاد شود. عبدالناصر همتی نیز دوم تیر مذاکرات سوئیس را موفقیت آمیز خواند و از انجام نخستین محموله خرید کالاهای اساسی با ارزهای آزاد شده در روزهای آینده خبر داد. یک روز بعد، همتی از افزایش معنادار عرضه ارز از ۶ تیر و اختصاص ۲ میلیارد دلار برای صنعت سخن گفت.

حسین قربانزاده یکی دیگر از اعضای تیم قالیباف نیز پنجم تیر اعلام کرد بخش اول پول های مسدودی در دسترس قرار گرفته، مصرف آنها محدودیتی ندارد و ایران می تواند هر مقدار از این منابع را که اراده کند هزینه کند. ماجرا به همین جا ختم نشد. مسعود پزشکیان هشتم تیر گفت ۶ میلیارد دلار از منابع ایران آزاد شده است و قالیباف نیز نهم تیر تصریح کرد: «اگر به سوئیس نمی رفتم، ۱۲ میلیارد دلار آزاد نمی شد.» اما اکنون، در ۲۸ مرداد، روایت دیگری روی میز است؛ روایتی که از سوی همان رئیس بانک مرکزی مطرح شده است. عبدالناصر همتی اعلام کرده است که حتی یک دلار از پول های بلوکه شده ایران آزاد نشده است.

این تناقض را نمی توان با بازی با کلمات حل کرد. اگر واقعاً میلیاردها دلار در حال آزادسازی بود، چرا امروز گفته می شود حتی یک دلار نیز آزاد نشده است؟

بازهم فریب دشمن

ایران در شرایطی بخشی از فشارهای راهبردی خود را در تنگه هرمنز تعدیل کرد که یکی از مهم ترین اهرم های

تفاهم اسلام آباد حالا دیگر یک پرونده قابل تأمل برای ارزیابی عملکرد سیاست خارجی است؛ پرونده ای که هرچه زمان می گذرد، تناقض های آن آشکارتر می شود. ماجرا از جایی آغاز شد که مذاکرات پشت پرده شکل گرفت، جامعه با برجسته سازی تهدیدها و ضرورت توافق تحت فشار روانی قرار گرفت و سپس متنی روی میز آمد که بخش قابل توجهی از آن تفسیرپذیر و برای طرف آمریکایی بازگشت پذیر بود. دقیقاً همان الگویی که یک دهه قبل فریم به فریم در برجام تجربه شد.

در برجام نیز در ابتدا به دروغ ملت را از خطر قطعنامه های شورای امنیت ترساندند و وعده گشایش اقتصادی و رفع تحریم ها داده شد و توافق از سوی روحانی به عنوان یک معجزه الهی و فتح الفتوح معرفی شد. اما پس از خروج آمریکا و عمل نکردن طرف مقابل به تعهداتش، نتیجه به جایی رسید که حتی سیف رئیس وقت بانک مرکزی از «تقریباً هیچ» بودن منافع اقتصادی برجام سخن گفت. حالا همان تجربه، با تفاوت هایی مهم، دوباره تکرار شده است. این بار نیز قالیباف تفاهم اسلام آباد را سند شکست آمریکا نامید و عراقچی آن را سند سرفرازی و پزشکیان آن را تأمین کننده منافع ملی نامید.

حتی یک دلار از پول های بلوکه شده ایران آزاد نشد

این بار نیز پیش از آنکه آثاری از توافق دیده شود، موجی از دستاوردسازی به راه افتاد. سعید آجرلو یکی از مشاوران قالیباف در ۶ خرداد از موفقیت سفر قالیباف به قطر برای آزادسازی ۱۲ میلیارد دلار سخن گفت و تأکید کرد این دارایی ها به صورت غیرقابل برگشت در اختیار بانک مرکزی قرار خواهد



عاقبت دستاوردسازی دروغین

روایت های متعدد درباره آزادی ۶، ۱۲ و حتی ۲۵ میلیارد دلار، افزایش عرضه ارز و خرید کالاهای اساسی، امروز در برابر یک جمله عبدالناصر همتی قرار گرفته است: «یک دلار هم از پول های بلوکه شده ایران آزاد نشد.» اکنون مسئله، تکرار همان چرخه ای است که در برجام نیز رخ داد؛ وعده های بزرگ در آغاز و «تقریباً هیچ» در پایان.

مذاکره با جنگ طلب؛ نسخه ای برای جنگ بعدی

امیرشهبهانی
روزنامه نگار

مواضع نسنجیده پزشکیان در تمام روزها و ماه های پس از جنگ تحمیلی سوم، یکی از نگران کننده ترین نگرانی های ملت ایران بوده است. حجم بی سابقه جنگ، تحریم، حمله و فریب کاری آمریکا در دو سال گذشته نتوانسته او را از چارچوب ذهنی برجانی یا تسلط برجانی ها بروی خارج کند.

پزشکیان اخیراً گفته است: «بهتر است امروز که در قدرت هستیم و تمام دنیا به پیروزی ما اذعان دارند و آمریکا در دنیا منفور است، جنگ را پایان دهیم.» این جمله از زبان فردی که در حساس ترین شرایط، سکان اجرایی کشور را در دست دارد، شاید از هر تهدید علنی ترامپ برای ملت ایران نگران کننده تر باشد. او طوری صحبت می کند که انگار دو سال ریاست جمهوری اش را فراموش کرده است؛ دو سالی که کشور دقیقاً در آستانه سه دور نبرد قرار گرفت: جنگ ۱۲ روزه، جنگ ۴۰ روزه و نبرد ۱۷ روزه بر سر هرمز. در هر سه مورد، درست پیش از آغاز درگیری، دولت او در حال مذاکره با طرف آمریکایی بود.

پزشکیان یا توانایی درک این الگورا ندارد، یا آگاهانه از آن طفره می رود. بعد از این همه ابراز تمایل او، دولتش و وزیر خارجه اش به مذاکره با ترامپ، هنوز برایشان روشن نشده که ترامپ در سایه وابستگی عمیق به لابی های یهودی و تعهد شخصی به اسرائیل، اساساً قصد مذاکره واقعی ندارد. هر مذاکره ای با ایران صرفاً مرحله ای از طرح فریب چندلایه و چند مرحله ای ترامپ و نتانیاهو برای خنثی سازی دائمی نه فقط جمهوری اسلامی، بلکه خود ایران است.

اکنون بهتر است این سوال را مطرح کنیم که اگر به منطق فعلی پزشکیان عمل کنیم و به سال ۱۹۳۸ بازگردیم، آیا کسی می توانست با هیتلر به توافق پایدار برسد؟ روش پزشکیان برای نویل چمبرلین در مونیخ چه نتیجه ای داشت؟ و چرا فهم چرچیل از مذاکره ناپذیری هیتلر درست از آب درآمد؟ تاریخ پاسخ روشنی دارد، اما پزشکیان ظاهراً آن را نخوانده است: هیتلرها مذاکره پذیر نیستند.

نگرانی در این است که در بحرانی ترین شرایط سکان اجرایی کشور را کسی در اختیار دارد که یا واقعیت جنگ و نیت آمریکا را نمی فهمد، یا با سادگی (یا ساده نمایی) چنین جملاتی را بر زبان می آورد. او در سایه سلطه ظریف و طیف برجانی هنوز درک نکرده که پیروزی تاریخی ملت ایران (که به بهای شهادت هزاران نفر به دست آمد) باید تثبیت شود. تثبیت نه با شعار پایان جنگ، بلکه با حفظ کنترل و تردد ذیل حاکمیت ایران بر تنگه هرمز، حفظ ذخایر هسته ای و حرکت جدی به سمت بازدارندگی رقم می خورد. تا زمانی که دشمن بازهم این روزها از تغییر رژیم حرف می زند و هر روز تهدید حمله می کند، هر سیگنال نرمش، دعوت به حمله بعدی است.

نوبنیاد

■ صاحب امتیاز: محسن منصوری
■ مدیر مسئول: حمیدرضا بیانی
■ تلفن: ۰۲۱-۸۸۴۹۹۳۷۲
■ کدپستی: ۱۵۹۸۹۷۵۷۱۵

■ آدرس: خ سپهبد قری خ شاداد پلاک ۲۲ واحد پنج
■ چاپخانه: صمیم

nobonyadonline nobonyadonline
nobonyadonline.ir

فرهنگ
C U L T U R A L

■ شنبه ۳۱ مرداد ۱۴۰۵ ■ سال اول ■ شماره ۱۱۵

یادداشت

چین و قدرت نرم دیجیتال

علی نقدی
روزنامه‌نگار

خبر ورود جدی Bilibili به بازار جهانی را نمی‌توان صرفاً با عبارت «کیی چینی یوتیوب» توضیح داد. این پلتفرم چینی که سال‌ها عمدتاً در بازار داخلی فعالیت می‌کرد، اکنون با عرضه مجدد نسخه بین‌المللی خود، در حال آزمون شانسش برای جذب کاربران و تولیدکنندگان محتوای خارج از چین است. این پلتفرم در صورت موفقیت می‌تواند نشانه دیگری از تغییر موازنه در اقتصاد و فرهنگ دیجیتال جهان باشد. نسخه جدید ابتدا برای اندروید عرضه شده و نسخه iOS نیز در راه است. هم‌زمان، شرکت برنامه‌راه‌اندازی یک وب‌سایت انگلیسی و استخدام نیرو در بازارهایی مانند آمریکا، اروپا، ژاپن و آمریکای لاتین را دنبال می‌کند. اهمیت این اقدام در آن است که Bilibili دیگر یک استارت‌آپ ناشناخته نیست. این شرکت در چین یک جامعه بزرگ کاربری ساخته و توانسته ترکیبی از وی‌دئو، فرهنگ هواداری، بازی، انیمه و تعامل اجتماعی را به محصولی متمایز تبدیل کند. بنابراین پرسش اصلی این نیست که آیا Bilibili می‌تواند همانند TikTok، یک الگوی چینی را به پدیده‌ای جهانی تبدیل کند یا نه. تجربه TikTok نشان داد که مسیر موفقیت شرکت‌های چینی در جهان الزاماً از تقلید مستقیم از محصولات آمریکایی نمی‌گذرد؛ گاهی یک محصول چینی می‌تواند خود به الگوی تبدیل شود که رقبای آمریکایی را وادار به واکنش کند.

این تحول بخشی از داستان بزرگ تر رقابت فناوری چین و آمریکا است. در سال‌های گذشته، تصور رایج از چین کشوری بود که فناوری‌های غربی را با هزینه کمتر تولید و کپی می‌کند؛ اما این تصویر دیگر برای توضیح واقعیت کافی نیست. شرکت‌هایی مانند Huawei در تجهیزات مخابراتی و گوشی، BYD در خودروهای برقی، DJI در پهپادها، Xiaomi در لوازم الکترونیکی و ByteDance در رسانه‌های اجتماعی نشان داده‌اند که شرکت‌های چینی می‌توانند از بازار داخلی عظیم خود برای رشد، آزمون فناوری و سپس ورود به بازارهای جهانی استفاده کنند. حتی در صنعت خودرو، شرکت‌های چینی اکنون به جای تمرکز صرف بر محصولات ارزان، با فناوری، طراحی و نرم‌افزار به بازارهای اروپایی حمله می‌کنند.

با این حال، موفقیت چین تنها به فناوری محدود نیست. این کشور در حال ساختن نوعی «قدرت نرم دیجیتال» نیز هست. روندی که با توجه به فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی می‌تواند الگوی مناسبی برای دستگاه‌های فرهنگی ما باشد.

واکنش عجیب خانه سینما به مصوبه مقابله با نفوذ؛ وقتی برخورد با نفوذ صدای عده‌ای را در می‌آورد

خانه سینما از چه چیزی می‌ترسد؟

نسبت به سلامت میدان فرهنگ حساس باشد، از قانونی که قرار است مسیر نفوذ سرویس‌های بیگانه را مسدود کند، چنین برآشفته شده است؟ نفوذ، واژه‌ای تزئینی نیست و اتفاقاً مسئله‌ای واقعی، جدی و خطرناک است. صد البته که قانون باید دقیق باشد و میان نقد اجتماعی و عملیات هدایت‌شده خارجی تفاوت بگذارد، اما این ضرورت برهانه‌ای برای پاک کردن صورت‌مسئله نفوذ از سینما و فرهنگ نیست.



سعید مصباح

روزنامه‌نگار

ظاهراً هنوز برای برخی حضرات در خانه سینما روشن نشده که مسئله نفوذ یک بازی با کلمات یا یک کلیدواژه امنیتی برای بستن دهان هنرمندان نیست؛ مسئله نفوذ، مسئله امنیت ملی است و در سال‌های اخیر بارها نشانه‌های آن در عرصه‌های مختلف کشور دیده شده است. با این حال، همین که مجلس تصمیم گرفته بخشی از این خلأ را با قانون پر کند، خانه سینما به میدان آمده و از نگرانی عمیق سینماگران سخن گفته است؛ گویی قرار است با تصویب قانون مقابله با نفوذ، در سینما را تخته کنند و کلیدش را هم به مأمور امنیتی تحویل بدهند!

خانه سینما در بیانیه خود از تورم پنج‌ماهه، سوءتغذیه و خط فقر گفته و با لحنی کتابه‌آمیز پرسیده است که در چنین شرایطی چرا باید به موضوعاتی از این دست پرداخت. این استدلال واقعاً عجیب است. مگر چون اقتصاد خراب است، بیگانه دیگر نفوذ نمی‌کند؟ مگر چون مردم مشکل معیشتی دارند، سرویس‌های اطلاعاتی خارجی به مرخصی می‌روند؟ مگر سفره کوچک مردم باعث می‌شود شبکه‌های رسانه‌ای و فرهنگی خارج از کشور دست از عملیات شناختی و روایت‌سازی بردارند؟

اگر این منطق را بپذیریم، باید همه دستگاه‌های کشور را تعطیل کنیم و فقط وزارت اقتصاد را باقی بگذاریم! چون اقتصاد مسئله دارد، پس امنیت تعطیل؛ چون تورم بالاست، پس فرهنگ تعطیل؛ چون خط فقر بالا رفته، پس مرزها را هم رها کنیم! حکمرانی یعنی فهم همزمان چند مسئله و اتفاقاً یکی از وظایف حاکمیت این است که نگذارد دشمن از مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای نفوذ بیشتر استفاده کند.

اما اصل ماجرا را خانه سینما چرا این قدر سخت تحمل می‌کند؟ مگر در سینما نفوذ وجود ندارد؟ مگر سینما و شبکه تولیدات فرهنگی، از مهم‌ترین ابزارهای جنگ روایت و اثرگذاری بر افکار عمومی نیستند؟ اگر پاسخ خانه سینما این است که «نه، هیچ نفوذی در سینما وجود ندارد»، خب صریحاً همین را اعلام کند. اما اگر حتی یک مورد نفوذ وجود داشته باشد، قانونگذار حق دارد برای جلوگیری از تکرار آن قانون وضع کند.

اتفاقاً مشکل اصلی اینجاست که سال‌هاست برخی جریان‌ها در حوزه فرهنگ، هرگاه پای مسئولیت و نظارت به میان می‌آید، فوراً پشت‌واژه‌های نخ‌نمایی مانند آزادی هنر، استقلال هنرمند و نقد اجتماعی

یادداشت

وفاق با قدرت در پلتفرم‌ها یکه‌تازی می‌کند

مسعود حنیفی
روزنامه‌نگار

برنامه گفت‌وگو محور در جام با اجرای مهیار حسن همچنان با گذشت روزها از جام جهانی دو هزار و بیست و شش در جریان است و مهمانان گوناگونی را دعوت می‌کند. وجود چنین برنامه‌ای در ایام مسابقات جهانی ایرادی ندارد و بخشی از پوشش رسانه‌ای رویدادهای ورزشی محسوب می‌شود. مسئله اصلی و نگران‌کننده محتوای مطرح‌شده و حرف‌هایی است که مجری با مهمانانش در میان می‌گذارد. به عنوان مثال در اپیزود مربوط به السافیروز آذر شاهد بودیم که طرف مقابل با بازی نون بیار کباب ببر سرگرم می‌شود و مجری بدون هیچ ملاحظه‌ای وارد جزئی‌ترین امور زندگی خصوصی او می‌گردد که این رویکرد در برنامه‌های پلتفرمی نامناسب و آسیب‌زا است. این سطح از ابتذال نشان‌دهنده یک مشکل عمیق‌تر و ریشه‌ای در ساختار فرهنگی کشور است.

مسئله صرفاً بی‌تفاوتی حکمرانی ما به مسئله حجاب شرعی نیست. مسئله اصلی سیاست رهاسازی است که دولت و جریان‌های موسوم به وفاق ملی در حوزه‌های اقتصاد و اجتماع و رسانه در پیش گرفته‌اند. این سیاست رهاسازی تمام‌عیار و بدون نظارت به فرهنگ‌زدایی از زیست روزمره ایرانیان ختم خواهد شد. وقتی رسانه به جای تبیین ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی به عادی‌سازی ناهنجاری‌ها بپردازد هویت جمعی ما دچار فرسایش شدید می‌شود. نتیجه طبیعی و اجتناب‌ناپذیر چنین فرهنگ‌زدایی گسترده‌ای پذیرش بی‌چون و چرای استعمار جدید و سلطه نرم دشمن است. در این فضای مسموم جنگ استقلال طلبانه و مبارزه با سلطه خارجی برای بخش بسیار عظیمی از جامعه ایران بی‌معنا و بی‌هدف جلوه داده می‌شود. نخبگان و مسئولان رسانه باید بدانند که این مسیر بسیار خطرناک است. آن‌ها با ظاهری فریبنده و به اسم حفظ انسجام اجتماعی در واقع در حال مقاومت‌زدایی از انسان ایرانی هستند.

این فرآیند تدریجی باعث می‌شود که نسل جوان ارتباط خود را با ریشه‌های تاریخی و مذهبی خود از دست بدهد و در نهایت هویت ملی ما در برابر تهاجم فرهنگی آسیب‌پذیر شود. این مقاومت‌زدایی یعنی تهی کردن جامعه از روحیه ایستادگی و تسلیم کردن نسل جدید در برابر هجمه‌های فرهنگی دشمن. ما نیازمند بازنگری فوری و جدی در سیاست‌های رسانه‌ای هستیم تا از این سقوط فرهنگی جلوگیری کنیم و هویت مستقل ایرانی را برای آیندگان کشور حفظ نماییم.

دسترسی افشار مختلف مردم جهان به آن‌ها از طریق دوبله و پخش بین‌المللی اندیشیده شده است. نقویان همچنین به تغییرات بازیگران در نسخه سریالی «حضرت موسی (ع)» نسبت به نسخه سینمایی پرداخت و این موضوع را روندی طبیعی دانست.

وی توضیح داد که تفاوت در بازه زمانی تولید (چندساله بودن سریال در مقابل یک‌ماهه بودن فیلم)، نیاز به هماهنگی با برنامه بازیگران، گسترش شاخ‌وبرگ‌های فیلمنامه و تفاوت در نگاه روایی، موجب تغییر برخی عوامل فنی و هنری پشت و جلوی دوربین شده است. با این حال، وی تأکید کرد که تمامی بازیگران اصلی تغییر نکرده‌اند و برای نمونه، میرزا زارعی همچنان در سریال حضور دارد. شایان ذکر است که در نسخه سریالی، بهزاد خلج جایگزین علیرضا کمالی در نقش «عمران»، پدر حضرت موسی (ع) شده است.



مهدی نقویان، رئیس مرکز سیمافیلم، در تشریح برنامه‌های این مرکز برای جهانی‌سازی آثار «الف و وژه»، بر تمرکز بر سریال‌هایی با مخاطب جهانی همچون «سلطان فارسی» و «حضرت موسی (ع)» تأکید کرد. به گفته وی، داستان این آثار فراتر از مرزهای ایران است و تمهیدات لازم برای

سلطان فارسی و موسی کلیم‌الله جهانی می‌شوند